

بخش سوم - امام حسین (ع) ، وداع عاشورا

حضرت زینب(س)،وداع- مصائب

اجرا شده توسط حاج محمود کریمی-10 محرم 1390-بیت رهبری

تشنه رفتن برا تو | مرثیه خوندن برا من

برنگشتن برا تو | تو خیمه موندن برا من

پر پرواز برا تو | پرهای بسته برا من

خسته رفتن برا تو | این همه خسته برا من

غم امت برا تو | حفظ امامت برا من

دست بیعت برا تو | خط ولایت برا من

قمرامون برا تو | این همه اختر برا من

پسرهامون برا تو | این همه دختر برا من

غم زینب برا تو | تموم غم ها برا من

علی اکبر برا تو | ناله لیلا برا من

اینجا موندن برا تو | تا کوفه رفتن برا من

خواب راحت برا تو | گریه براتون برا من

نیزه خوردن برا تو | رونی سراتون برا من
علی اصغر برا تو | رباب مضطر برا من
لب خنجر برا تو | بوسه به خنجر برا من
سنگ اینجا برا تو | سنگ های کوفه برا من
زخم غارت برا تو | زخم جسارت برا من
پاره پیرهن برا تو | رنج اسارت برا من
گوش پاره برا من | گریه و ناله برا من
...روی نیلی برا من | طفل سه ساله برا من

علی اکبر لطیفیان - امام حسین(ع) - روضه وداع

باطن ترین من، نه خدا حافظی مکن

هر چند ظاهراً، نه خدا حافظی مکن

من نیمه توام جلویت ایستاده ام

با نیم خویشتن، نه خدا حافظی مکن

یک اهل بیت را ته گودال می بری

ای خُمس پنج تن، نه خدا حافظی مکن

اصلاً بدون من سفری رفته ای بگو

حالا بدون من، نه خدا حافظی مکن
پس حرف می زنی که خدا حافظی کنی
این گونه نه نزن، نه خدا حافظی مکن
شاید کسی نبرد خدا را چه دیدی
با کهنه پیرهن، نه خدا حافظی مکن
این سمت عزیز، محترم، با کفن، ولی
آن سمت بی کفن، نه خدا حافظی مکن
بعد از تو چند مرد به دنبال چند زن
بعد از تو چند زن، نه خدا حافظی مکن

سید محمد جوادی - حضرت زینب(س)-وداع

حالا که غیر از چشم های تر نداری
تنهای تنها ماندی و یاور نداری
بگذار تا زینب لباس رزم پوشد
تا که نگوید دشمنت لشگر نداری
من آب می آرم برای اهل خیمه
دیگر نگو آقا که آب آور نداری
بگذار لخته خون ز لب هایت بگیرم

آخر مگر ای نازنین خواهر نداری
تعبیر کن خواب مرا ای یوسف من
حالا که غیر از چشم های تر نداری
می آیم امشب بهر دیدارت به گودال
هر چند دیر است و دیگر سر نداری

حسین رستمی - حضرت زینب(س)-وداع

اگر چه ایل و تبار مرا به همراهت...!
برو حسین که دست خدا به همراهت
دعای حرز لبم را به گردنت بستم
برو حسین که این بوسه ها به همراهت
تویی که جان مرا می بری به همراهت!
نمی بری بدنم را چرا به همراهت؟!
فدای موی بلندت شوم که دست نسیم
چگونه می زند این نظم را به هم، راحت!
برو که با خبری من چگونه می آیم
برای یافتنت تا کجا به همراهت

فقط کنار تنت نیمی از مرا بگذار
که نیم دیگر من تا خرابه همراهت...
دلی دو تا و قد و قامتی دو تاتر از آن
برو که من شده ام چند تا به همراهت
نگفته بودی اگر سمت خیمه ها برگرد!
می آمدم به خدا بی هوا به همراهت
تو دور می شوی اما هنوز این جایی
برای آن که نبردی مرا به همراهت

قاسم نعمتی - حضرت زینب(س)-وداع

مُردم از دل واپسی بس که پریشان خاطر
سایه ات تا بر سرم باشد خدا را شاکرم
دیگر از امروز یک لحظه مشو از من جدا
تو شبیه کعبه باش و من شبیه زائرم
در نماز شب دعا کردم نبینم داغ تو
تو سلامت باشی اما من بمیرم حاضر
تو به فکر حنجرت باش و غم من را مخور
دختر زهرایم و در حفظ معجز ماهر

دست خود روی سرم بگذار و یا ستار گو

بوی خاک چادر مادر گرفته چادرم

ناز کم کن ای نگار ناز نینم یا حسین

ترس من این است داغت را ببینم یا حسین

امیر حسین محمدپور - حضرت زینب(س)-وداع و...

گریه هایم اگر چه کاری نیست

چه کنم؟ غیر گریه کاری نیست

بعد عمری کنار هم بودن

می روی و مرا نگاری نیست

فصل سرد خزان عمرم شد

باغ من را دگر بهاری نیست

می بری جان خواهرت با خود

بعد تو پای استواری نیست

روی شانه تو منزلت داری

لا اقل وقت نی سواری نیست

رفتنت می برد امید حرم

کودکان را دگر قراری نیست

گرگ ها صف کشیده اند این جا

آهوان را ره فراری نیست

می روی و به خیمه می تازند

پس میپرسم چرا وقاری نیست!

ای به قربان آیه ی کهفت

سر شکسته تر از تو قاری نیست

چه بلایی سر تو آوردند؟

جز به نیزه تو را مزاری نیست

بعد تو زینب است و طفلانت

چه کنم؟ جای گریه زاری نیست

حسین رستمی - وضه وداع

اگر چه ایل و تبار مرا به همراهت...!

برو حسین که دست خدا به همراهت

دعای حرز لبم را به گردنت بستم

برو حسین که این بوسه ها به همراهت

تویی که جان مرا می بری به همراهت!

نمی بری بدنم را چرا به همراهت؟!
فدای موی بلندت شوم که دست نسیم
چگونه می زند این نظم را به هم راحت!
برو که با خبری من چگونه می آیم
برای یافتنت تا کجا به همراهت
فقط کنار تنت نیمی از مرا بگذار
که نیم دیگر من تا خرابه همراهت...
دلی دو تا و قد و قامتی دو تا تر از آن
برو که من شده ام چند تا به همراهت
نگفته بودی اگر سمت خیمه ها برگرد!
می آمدم به خدا بی هوا به همراهت
تو دور می شوی اما هنوز این جایی
برای آن که نبردی مرا به همراهت

قاسم نعمتی - حضرت زینب(س)-روضه وداع

چگونه صبر کنم رفتن تو را بینم
نوای واعطشا گفتن تو را بینم
در این طرف تو صدا می زنی «انا المظلوم»
جواب... هلهله دشمن تو را بینم
بپوش زیر زره دست دوز مادر را
مباد لحظه ای عریان تن تو را بینم
چگونه معجز خود را به سر نگه دارم
چگونه لحظه جان دادن تو را بینم

کویر و این همه لاله حسین خیز و ببین

میان دشت فقط گلشن تو را بینم

شود به سمّ ستوران تن تو حلاجی

میان گرد و غبار، خرمن تو را بینم

چگونه حفظ کنم چادرم که در مقتل

به دست چند نفر جوشن تو را بینم

خدا کند که نیفتی به زیر پای کسی

به چشم خویش لگد خوردن تو را بینم

عمان سامانی - ظهر عاشورا-وداع

سیل اشکش بست بر شه راه را

دود آهش کرد حیران شاه را

در قفای شاه رفتی هر زمان

بانگ مهلاً مهلی اش بر آسمان

پایگاه اطلاع رسانی خیمه دلسوختگان

www.delsukhtehgan.ir